

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

جمعه ۰۹ جولای ۲۰۲۱

میر عبدالرحیم عزیز

چرا ما نیاز به مردم سالاری ثروت داریم: مدل سرمایه داری ایالات متحده خودخواهی و خشم را پرورش میدهد

نویسنده: RICHARD D. WOLFF

ترجمه: میر عبدالرحیم عزیز

در طول تاریخ خود - سرمایه داری هر جا که به عنوان سیستم اقتصادی مسلط رسید و در آن مستقر شد - مبارزات بر سر توزیع مجدد ثروت را برانگیخت. به عبارت دیگر، این سیستم همیشه ثروت را به روشی خاص توزیع می کند و به همان ترتیب ناراضایتی ناشی از آن توزیع خاص را خلق می نماید. سپس ناراضیان، کم و بیش، آگاهانه یا غیر آگاهانه، صلح آمیز یا خشونتبار برای توزیع مجدد ثروت مبارزه می کنند. این مبارزات از نظر اجتماعی تفرقه ایجاد می کند و گاهی اوقات به سطح جنگ داخلی صعود می نماید.

انقلاب فرانسه پایان فئودالیسم را در فرانسه اعلام کرد که گذار آن به سرمایه داری بود. شعارهای انقلابیون نوید می داد که این انتقال "آزادی، برابری، برادری" را با خود به همراه خواهد آورد. به عبارت دیگر، برابری باید ضمیمه اصلی یا محصول تأسیس سرمایه داری میبود تا در نهایت جایگزین سازمان تولید ارباب رعیتی فئودالیسم با سیستم بسیار متفاوت کارفرما- کارمند سرمایه داری شود. گذار به سرمایه داری آثار نابرابری های فاحش فئودالیسم فرانسه را ریشه کن ساخت. انقلاب امریکا نیز نه تنها این کشور را از دست استعمار انگلیس بلکه از سلطنت فئودالی جورج سوم هم جدا ساخت. "همه انسانها برابر آفریده شده اند" روحیه اصلی عمق تعهد آن برای تساوی یکجا با رشد سرمایه داری بود.

در فرانسه، ایالات متحده و ماورای آن، سرمایه داری خود را در مجموع به ارتباط دست آورد یا حداقل به هدف برابری توجیه کرد. این برابری، توزیع ثروت و درآمد را حداقل در تئوری و شعار شامل می شد. با آنهم از همان آغاز، همه سرمایه داری ها با تضاد های تظاهر به برابری و نابرابری در شیوه های واقعی خود مبارزه می کردند. آدم اسمیت نگران "ذخیره سهام" (ثروت یا "سرمایه") در دست بعضی ها، اما نه در دست برخی دیگر بود. توماس جفرسون و الکساندر همیلتون دیدگاه های متفاوتی از آینده ای يك ایالات متحده مستقل داشتند که آیا برابری ثروت که بعداً به نام "دموکراسی جفرسونین" مسماء گردید، تأمین خواهد شود یا نخواهد شد. ناهم آهنگی نامناسب بین تعهدات نظری و لفظی در مورد برابری و واقعیت های برده داری و سپس نابرابری های نژادپرستانه ذاتی در ایالات متحده وجود داشته و همیشه باقی خواهد ماند. نابرابری های جنسیتی نیز با تعهدات برابری در تضاد است. قرن ها طول کشید که سرمایه داری صرفاً به تساوی رسمی سیاسی رأی گیری همگانی برسد.

بنابراین، جای تعجب نیست که سرمایه داری ایالات متحده - مانند اکثر سرمایه داری های دیگر - تناقضی کاملاً نگران کننده بین نابرابری واقعی ثروتی که تولید می کند و به طور فزاینده ای عمیق تر می شود (همانطوریکه توماس پیکتی به طور قطعی نشان داده است) و تعهد مداوم خود برای برابری، ایجاد می کند. تلاش ها برای توزیع مجدد ثروت - برای انتقال از توزیع کمتر به مساوی تر - در پی می آید. با این حال، آنها همچنین جوامعی را که سیستم اقتصادی سرمایه داری حاکم است، به طور آشفتنه ای تقسیم می کنند.

توزیع مجدد ثروت از کسانی که دارند، گرفته می شود و به کسانی می دهند که ندارند. کسانی که ثروتشان توزیع مجدد میشود، از این عمل کینه تیزی می کنند یا مقاومت می نمایند، در حالیکه کسانی که در جریان توزیع مجدد ثروت به دست می آورند، توجیهاتی برای دریافت آن خلق می نمایند. هر طرف از این توزیع ها اغلب طرف دیگر را اهریمن می نامد. سیاست معمولاً به عرصه ای تبدیل می شود که اهریمنی و تصادم بر سر توزیع مجدد اتفاق می افتد. کسانی که در معرض خطر محروم شدن به دلیل توزیع مجدد هستند، یا مخالف با توزیع مجدد هستند، راه دیگری برای فرار از آن می جویند. بنابراین، اگر قرار است از سود سرمایه داران برای توزیع مجدد ثروت به بینوایان مالیات گرفته شود، سرمایه داران بزرگ ممکن است با یک حرکت سیاسی از پرداخت مالیه فرار نموده و بار مالیات را بر دوش مشاغل کوچک یا متوسط بیاندازند. متناوباً، همه سرمایه داران

بزرگ ممکن است متحد شوند تا بار مالیات توزیع مجدد را بر دوش معاشات کارکنان با درآمد بالاتر انداخته و خود از پرداخت آن طفره ببرند.

دریافت کنندگان توزیع مجدد با مشکلات سیاسی موازی روبرو هستند که کی را برای توزیع مجدد ثروت هدف قرار دهند. آیا دریافت کنندگان از مالیات بر روی تمام سودها یا صرف از مالیات بر سرمایه گذاری های بزرگ حمایت می کنند که ممکن است توزیع مجددی از حرفه های بزرگ به متوسط و کوچک جریان بیابد؟ یا ممکن است مزدبگیران دستمزد پائین کارگران با دستمزد بالا را برای توزیع مجدد مالیات هدف قرار دهند؟

انواع توزیع مجدد دیگر بین مناطق، نژادها و جنسیت، گزینه های سیاسی ستراتیژیک قابل مقایسه را نشان می دهد.

مناقشات بر سر توزیع مجدد جزء طبیعت جلی سرمایه داری بوده و همیشه نیز وجود داشته است. آنها نه تنها اختلافات اجتماعی را منعکس ساخته، بلکه عمیق تر می کنند که اکثراً شدید گردیده و از نظر اجتماعی دچار اختلال شده اند. آنها ممکن است خواسته هائی برای تغییر سیستم ارائه کنند. آنها ممکن است به عنوان وسیله ای برای انقلاب عمل کنند. چون سیستم های اقتصادی قبل از سرمایه داری مانند برده داری و فئودالیسم به طور کلی تعهدات نظری و لفظی کمتری برای مساوات و برابری داشتند، آنها برای توزیع مجدد مبارزات کمتری به راه انداختند. اینها سرانجام هنگامی ظهور کردند که نابرابری ها در مقایسه سطوح نابرابری که بیشتر مبارزات توزیع مجدد را در سرمایه داری برانگیخت، نسبتاً شدید تر گردید.

هیچگاه "راه حلی" برای مبارزات تفرقه انگیز بر سر توزیع مجدد ثروت در سرمایه داری یافت نشد. سرمایه داری دائماً خواست های نظری و لفظی برابری را به عنوان موفقیت خود در پهلوی واقعیت های عمیق نابرابری و تعمیق عدم مساوات در ثروت تبلیغ میکند. انتقادات از سرمایه داری به دلیل نابرابری ثروت، سیستم را در همه جا دنبال می نماید. مناقشات اجتماعی تفرقه انگیز بر سر توزیع نابرابر ثروت در سرمایه داری کماکان به پیش میرود. تلاشهای بی پایان برای یافتن و تطبیق یک سیستم یا دستگاه موفق توزیع مجدد همچنان ادامه دارد. نظر آخرین، موارد پیشنهادی مختلفی را برای عایدات بنیادی همگانی در بر دارد.

برای جلوگیری از اختلافات اجتماعی تفرقه انگیز بر سر توزیع مجدد، راه حل اصلی توزیع نابرابر نیست. این میتواند علت و انگیزه مبارزات توزیع مجدد و در نتیجه نیاز به تلاشهای بی پایان و بی نتیجه برای یافتن فرمول یا مکانیسم توزیع مجدد "درست" را از بین ببرد. راه به سوی جلو، دموکراتیک کردن تصمیم در مورد توزیع ثروت از طریق تولید است. این می تواند با دموکراتیزه کردن مؤسسات اقتصادی، تبدیل محل کار از سازمان سرمایه داری فعلی آنها (یعنی تقسیم سلسله مراتبی به کارفرمایان - دولتی یا خصوصی - و کارمندان) به سازمان های تعاونی کارگری محقق شود. در حالت دوم، هر کارگر یک رأی دارد و کلیه مسائل اساسی محل کار پس از یک بحث آزاد و با اکثریت آراء تصمیم گیری می شود. این زمانی است که دیدگاه های مختلف در مورد توزیع تولید باید به وضاحت مطرح شود و تصمیم طور دموکراتیک اتخاذ گردد.

ضرورتی به هیچگونه توزیع احساس نمیشود. اعضای محل کار در هر زمان آزاد هستند که در مورد توزیع اولیه ثروت مجدداً بحث و گفتگو کنند و تصمیم بگیرند. همین رویه در مورد تصمیمات مربوط به محل کار حاکم بر اینکه چه چیزی باید تولید شود، کدام تکنالوژی مورد استفاده قرار گیرد و مکان تولید کجا باشد، اعمال میگردد. همه کارگران به طور جمعی و دموکراتیک تصمیم می گیرند که چه دستمزدی مجموعه کارگران به طور جداگانه به هر یک از آنها پرداخت می کند. آنها به همین ترتیب تصمیم می گیرند که چگونه مازاد را که بیش از کل صورت حساب دستمزد فردی است و جایگزینی مواد مصرف شده را که ممکن است شرکت تولید کند، از بین ببرند و یا به آنها اختصاص دهند.

یک مثال می تواند نکته اساسی را نشان دهد. تصور کنید والدین دوگانگی های خود - لیلا و حامد - را به پارکی می برند که در آنجا شیرینج فروشی وجود دارد. والدین دو قاب شیرینج می خردند و هر دو را به لیلا می دهند. قال مقال حامد، توزیع مناسب قاب های شیرینج را سبب میشود. والدین یکی از قاب های شیرینج را از لیلا می گیرند و آن را به حامد می دهند. عصبانیت، کینه، اوقات تلخی، حسادت و خشم فضای بقیه روز را برهم میزند و اعضای خانواده را از هم جدا می کند. اگر محبت و حمایت عاطفی به طور مشابه تقسیم شود و دوباره توزیع گردد، زخم های عمیق و تفرقه انگیز ایجاد میگردد. درس: ما نیازی به توزیع مجدد "بهتر" یا "درست" نداریم. ما در مرحله اول باید توزیع متوازن تر و دموکراتیک تری داشته باشیم.